



اسلام هیچ مشکلی با آزاداندیشی ندارد/ حفظ شخصیتها بیشتر از قواعد منطق برای ما اهمیت دارد

آیت الله محسن غروی‌ان با بیان اینکه اسلام هیچ مشکلی با آزاداندیشی ندارد. اسلام شناسان و مسلمانانند که بعضا با آزاداندیشی مشکل دارند و با آن مخالفند، گفت: یکی از بزرگترین موانع آزاداندیشی این است که شخصیتها برایمان مهم هستند و حفظ شخصیتها بیشتر از قواعد منطق برای ما اهمیت دارد.

خبرگزاری مهر - آیت الله محسن غروی‌ان با بیان اینکه اسلام هیچ مشکلی با آزاداندیشی ندارد. اسلام شناسان و مسلمانانند که بعضا با آزاداندیشی مشکل دارند و با آن مخالفند، گفت: یکی از بزرگترین موانع آزاداندیشی این است که شخصیتها برایمان مهم هستند و حفظ شخصیتها بیشتر از قواعد منطق برای ما اهمیت دارد.

از دو کلمه «آزاداندیشی»؛ از دو کلمه «آزاد»؛ و «اندیشه»؛ ترکیب شده است. اندیشه، همان فکر کردن است، تفکر کردن است و آزاد هم معنایش این است که قیدی و بندی تفکر را محدود نکند. بنابراین آزاداندیشی به معنای تفکر بدون قید و بند و مانع است.

به هر حال عقل و فکر و اندیشه ما یکسری فواید دارد، فواید منطقی یا همان بدیهیات است، الزامات عقلی است، تلازم ها و روابط متلاطم بین مفاهیم و گزاره ها و قضایاست. آنها قید و بند خارجی نیستند. قید و بند عرضی نیستند. قید و بند ذاتی برای تفکرند.

در یک قضیه از صغری و کبری و شرایط منطقی به یک نتیجه می‌رسیم. این الزام که از صغری و کبری به نتیجه ای برسیم این را نمی‌گویند قید و بند برای تفکر، چون ذات خود عقل این قواعد و مقررات را دارد که اینها در همان دانش منطق و علم بیان می‌شود اما اگر اضافه بر این الزامات درون عقل و قواعد منطق، ما یکسری قید و بندهای دیگری را مطرح کنیم در واقع جلوی آزاداندیشی را سد می‌کند.

من فکر می‌کنم که اسلام هیچ مشکلی با آزاداندیشی ندارد. اسلام شناسان و مسلمانانند که بعضا با آزاداندیشی مشکل دارند و با آن مخالفند. شخصیتها معمولا مانع آزاداندیشی می‌شوند، یعنی قرائت‌ها مختلف است، تفسیرها مختلف است. من اسلام را به قرائت خودم حق می‌دانم آن وقت اگر کسی حرف‌های مطرح کند، نظریاتی و افکاری طرح کند که با آن برداشت و قرائت من با آن تفکر مخالفت می‌کنم. می‌گویم اسلام چنین چیزی را منع نمی‌کند، قرائت من از اسلام منع می‌کند در حالی که اسلام چیزی جز اراده خدا نمی‌خواهد، اراده خدا بر این تعلق گرفته که انسان عقل و تفکر داشته باشد و آزاد فکر کند. براساس منطق، یک حرفی را و ایده ای را مطرح کند به هر کجا کشید این اراده خداست، مشیت خداست، ما که نباید در برابر مشیت خدا بایستیم. مشیت خدا بر همین است؛ لا اکره فی الدین؛

اراده خدا بر این است که ما بنشینیم تفکر کنیم و فکرمان را البته در چارچوب منطق، قرآن و استدلال پیش ببریم. پس معنای سختم این نیست که فکر، یله و رها باشد، بلکه دارم از همان ابتدا عرض می‌کنم که چارچوب منطق رعایت شود، قواعد، بدیهیات و اولیات منطقی رعایت شود. اما نتیجه ای که حاصل می‌شود از تفکر من حتما باید مورد تأیید آقای X باشد؟ یعنی او قبول بکند نه! ما چنین چیزی در اسلام نداریم.

به هر حال همه فلاسفه و فقها، مفسر اسلامند و من ملتزم نیستم حرفی که مطرح می‌کنم یا ایده یا نظریه ای که می‌دهم حتما مورد تأیید آقای زید یا عمرو باشد. من گاهی نظریه ای را مطرح می‌کنم و در چارچوب منطقی از آن دفاع می‌کنم، هر کسی هم که اشکال دارد بیاورد باز براساس همان قواعد منطق که خط کش و میزان و مناط تفکر صحیح از غیر صحیح است جواب من را بدهد یعنی اشکال به آن نظریه وارد کند. الان متأسفانه در جامعه ما این طور نیست، یعنی یکی از بزرگترین موانع آزاداندیشی در واقع همین است که شخصیتها برایمان مهم هستند و حفظ شخصیتها بیشتر از قواعد منطق برای ما اهمیت دارد.*

*برگرفته از مصاحبه محسن غروی‌ان با فصلنامه تخصصی صدرا. شماره 4 و 5، زمستان 91 و بهار 92.